

بررسی شمایل حضرت یوسف و سلیمان(ع) در بناهای شیراز

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۹

کد مقاله: ۵۰۱۹۷

محمد رضا احمدی^۱، فاطمه هوایی^۲

چکیده

کاشیکاری یکی از شیوه های نقش پردازی آرمان گرایانه در تزئینات معماری سنتی ایران است. در دوره قاجار، نقشینه کردن دیوار ابنیه عمومی و خصوصی با شمایل و مضامین مذهبی جلوه ای نوین یافت. کاشی نگاران قاجار در نقش پردازی، کتب ادبی، تاریخی و مذهبی، سنت های کهن نگارگری و اسلوب های غربی را منبع الهام قرار دادند. چهره نگاری و شمایل نگاری از ائمه معصومین(ع) و پیامبران یکی از موضوعات مورد توجه و از اصلی ترین مضامین هنر دینی آن ها بود که تا به امروز هنوز ادامه دارد. از دوره صفویه تا قاجار شمایل نگاری های بسیاری در شهرهای مختلف ایران توسط هنرمندان و به دستور حاکمان یا بزرگان وقت ایجاد شد که به نوعی نقش مذهب و تاثیر قصص و آیات قرآن را نشان می دهد. در بسیاری از بناهای شهر شیراز شمایل نگاری انجام شده که شامل باغ، حمام، خانه و ... می باشد. هدف از این مقاله بررسی بناهایی است که شمایل نگاری حضرت یوسف(ع) و حضرت سلیمان(ع) در آن ها کار شده و با توجه به محدودیت بازدید از برخی خانه های بافت تاریخی متاسفانه یک خانه در بررسی این مقاله قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: شمایل نگاری، دوره قاجار، حضرت یوسف(ع)، حضرت سلیمان(ع)، شیراز

۱- کارشناس حوزه گردشگری شهرداری شیراز؛ مدیر مرکز شیرازشناسی (مسئول مکاتبات) (wvja_24@yahoo.com)

۲- کارشناس مدیریت جهانگردی؛ مدرس حوزه گردشگری شیراز

شمایل نگاری مذهبی را می توان به نوعی از عناصر هنر شیعی به شمار آورد که در حوزه های مهم نگارگری ایرانی نمود یافته و از این طریق بررسی عناصر شیعی در هنر اسلامی را فراهم می نماید. شمایل نگاری یا تمثال سازی از چهرهای مذهبی با مضامین شیعی احتمالاً از اواخر دوران آل بویه معمول گشته که بیشتر دارای موضوعات عاشورایی و شمایل هایی از حضرت علی(ع) می باشد. گروهی دیگر معتقدند قدیمی ترین شمایل نگاری از چهره مقدسین در اسلام به دوره ایلخانی می رسد. در دوره ایلخانی به تاثیر از هنرمندان چینی و بیزانسی که با نقاشی، دین خود را تبلیغ می کردند و با توجه به منس و سهل گیری حکمرانان مغول، هنرمندان نقاش به خلق نگاره هایی با مضامین مذهبی و همچنین شرح قصص و روایات همّت گذاشتند(شایسته فر، ۱۳۸۶: ۹۸). با رسمیت یافتن مذهب شیعه در عصر صفوی، شمایل نگاری شیعی به طور چشمگیری گسترش یافت که با تصویرگری در روی دیوار و توسط تصویرگران عامه رواج داشته است. بدیهی است که با ظهور سلسله صفویه و اعلام مذهب شیعه به عنوان دین رسمی، تفکرات دینی و مذهبی از اهمیت ویژه ای برخوردار گشت و تالیف و تصویرسازی کتب دینی نیز قوت گرفت. نسخه احسن الکبار از جمله نسخ مذهبی مصور دوره صفویه است که به دستور شاه طهماسب اول، تلخیص گردیده و دارای ۱۷ نقاشی از رویدادهای اسلامی است. شمایل نگاری در دوره قاجار به دلیل ارتباط روزافزون با غرب، روش های جدید در هنر و نقاشی باب شد. این سنت در دوره قاجار بُعد گسترده تری یافته و به فضاهای نظیر تکیه، حسینیه، سقاخانه، فضاهای قهوه خانه ای و حتی خانه ها نیز نفوذ کرد. این هنرمندان با خلق تابلوهایی با موضوعات شمایل نگاری شیعی همواره سعی داشته اند تا پرتویی از نور الهی را از طریق این آثار در ذهن مخاطبین تداعی نمایند. این نوع تصویرگری که در بردارنده مضامین شیعی بوده اند همواره تحت تاثیر گرایش افراد جامعه و حاکمان دوران به مذهب تشیع، جهت مشروعیت بخشیدن به حکومت خود شکل گرفته اند(محموظی، ۱۳۹۴: ۲).

۲- شمایل نگاشتی یا شمایل نگاری

این واژه در زبان انگلیسی (iconography) از دو واژه یونانی (eikon) به معنای تصویر و (graphe) به معنای نوشتن ترکیب شده است. بدین ترتیب شمایل نگاری هم شیوه کار هنرمند در نوشتن تصویر است و هم آنچه خود تصویر می نویسد یعنی داستانی که تصویر باز می گوید. در واقع شمایل نگاشتی به جای شکل بر محتوا تمرکز می کند(آدامز، ۱۳۹۱: ۵۱). شمایل در اصل به معنای صفت ها و ویژگی های انسان است اما به چهره، ویژگی ها و مشخصات صورت نیز گفته می شود. همچنین به صورت نگاری و ترسیم چهره بزرگان دین و نگارگری وقایع مذهبی نیز شمایل سازی می گویند. ((شمایل گردانان)) نیز به کسی گویند که تصویرهای قاب کرده بزرگان دین را به معرض نمایش گذارد(محدثی، ۱۳۷۸: ۲۵۶).

۳- تاریخ شمایل نگاری

شمایل نگاری در واقع سنتی است که در گستره هنر مذهبی گنجانده می شود. شمایل های شخصیت های مذهبی همواره به زبان انتزاع و رمز پردازانه به تصویر کشیده شده اند. این سبک هنری که در طی ادوار، تحت تاثیر منع و تایید دینی بوده است در بر دارنده مفاهیمی در خصوص تحولات اجتماعی جوامع می باشد که خود بیانگر مشروعیت بخشیدن به حکومت حاکمان زمان هستند. جایگاه و نمود مذهب در موضوعات شمایل نگاری ها کاملاً آشکار است چرا که در بیشتر موارد سنت اسلامی را در ذهن مخاطب تداعی می نماید و به این علت در ادوار پیشین مورد حمایت بوده است. شمایل نگاری یا تمثال سازی در ایران قبل از اسلام، یکی از شیوه های هنر تصویرگری بوده که چهره قهرمانان ایرانی و شخصیت های اساطیری را به تصویر می کشیده اند. این هنر در دوران اسلامی بیشتر بر اساس مضامین شیعی خلق شده که از دوره آل بویه نقش پر رنگ خود را ایفا کرد. حاکمان دیلمی در سده چهارم و پنجم هجری قمری حکومتی مبتنی بر اصول تشیع ایجاد نمودند و در قرن هفتم هجری با استقرار مغول ها، علمایی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی و شاگردش علامه حلی، معارف تشیع را به صورت محتوایی در ایران شکل دادند. پس از اسلام آوردن غازان خان و مهمتر از آن پذیرفته شدن مذهب تشیع از سوی محمد خدابنده یا الجایتو، راه برای رشد این مذهب در ایران فراهم گردید. بعد از ایلخانان علمای شیعه و بسیاری از فرقه ها امکان آماده سازی فرهنگ تشیع را برای دوران تیموری و پذیرش آن به عنوان مذهب رسمی در دوره صفویه فراهم نمودند(عرفان، ۱۳۸۵: ۴۱). پس از صفویه حرکت اصلی در شکل گیری شمایل نگاری در ایران توسط هنرمندان دوره قاجار صورت گرفت و رواج ادبیات دینی و گرایش مردم به مضمون های مذهبی، منجر به جدی شدن شمایل نگاری در ادوار بعد گشت. در واقع در این زمان شاخه ای از نقاشی که از نگارگری ایرانی تاثیر پذیرفته و با ویژگی های زیبا شناسی نقاشی دوره قاجار عجین گشته به مرحله ظهور رسیده و در کنار آن مهمترین جلوه های هنر مذهبی شکل می یابد. یکی از مهمترین علل شکل گیری سنت شمایل نگاری، گسترش یافتن متون و مضامین ادبی منظوم و منثور مربوط

به ائمه بوده است چرا که بسیاری از این شمایل نگاری ها که نشانگر واقعه ای بوده اند همواره با پرده خوانی صورت می پذیرفته اند. مطالعه نمونه ها یا آثار شمایل نگاری های ادوار گذشته مبین این مطلب است که اوج این سنت با مضامین شیعی به لحاظ گستردگی و تنوع در عصر قاجار صورت پذیرفته است (افشاری، ۱۳۸۶: ۳۸).

۴- شمایل نگاری حضرت یوسف (ع) و حضرت سلیمان (ع) در بناهای شیراز

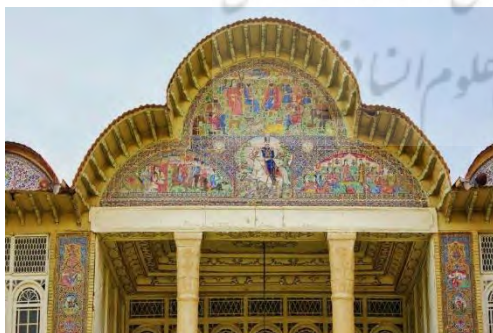
شمایل حضرت سلیمان (ع) و حضرت یوسف (ع) در چند بنای شیراز کشیده شده است. با توجه به بناهای مذکور این شمایل نگاری بر روی کاشی یا ساروج و یا گچ آمده است که در ذیل به معرفی آن ها پرداخته خواهد شد. هر چند شاید در بسیاری از خانه های قاجاری شیراز نقش حضرت سلیمان (ع) و حضرت یوسف (ع) وجود داشته باشد اما متأسفانه از وجود آن ها بی خبر و یا مالک بنا اجازه ورود و بازدید را نداده است.

۴-۱- باغ ارم

از قرار، پیشینه باغ ارم به دوره سلجوقیان می رسد. گویا این باغ به خواست و دستور اتابک قراچه، حاکم فارس در قرن ششم احداث شده است (آریانپور، ۱۳۶۶: ۳۰۸). در زمان تیموریان این باغ بسیار آباد بوده و مورد توجه تیمور گورکانی قرار می گیرد و این باغ الهام بخش او در ساختن باغ ارم سمرقند می شود. در اواخر دوران زند و اوایل دوره قاجار این باغ مقر ایل قشقایی می شود و در زمان جانی خان و پسرش، نخستین حصار و بنای باغ ساخته می شود. در زمان ناصرالدین شاه قاجار، حسنعلیخان نصیرالملک سازنده مسجد نصیرالملک این باغ را از سران قشقایی خرید و عمارت زیبای کنونی باغ را در آن ساخت. معمار این بنا به مانند معمار مسجد نصیرالملک، محمدحسن معمار بوده است. قبل از به اتمام رسیدن ساخت عمارت، حاجی حسنعلیخان فوت می کند و باغ به ابوالقاسم داماد او می رسد و تزئینات بنا در سال ۱۳۱۱ هجری قمری به پایان می رسد. این باغ بعد از ابوالقاسم به فرزندش عبدالله قوامی رسید که محمد ناصرخان قشقایی آن را از عبدالله خرید تا اینکه در سال ۱۳۴۵ به دانشگاه شیراز واگذار گردید. عمارت این باغ از لحاظ معماری، کاشیکاری، گچبری، خوشنویسی، آجرکاری و ... بینظیر است (حکمت نیا و احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

۴-۱-۱- نقش حضرت سلیمان (ع)

همانطور که ذکر شد عمارت کنونی باغ ارم توسط حسنعلیخان نصیرالملک ساخته شد. در پیشانی این عمارت یک سنتوری بسیار زیبایی وجود دارد که با هنر کاشیکاری هفت رنگ به طرز بسیار زیبایی تزئین شده است. موضوعات نقاشی شده در این سنتوری شامل مضامین باستانی و اساطیری، صحنه های شکار، گل ها و گیاهان و ... می باشد. نقاشی با مضامین داستانی یکی از موضوعاتی است که باعث تنوع در نقاشی های عمارت باغ ارم شده است. نقاشی های دیواری با موضوع داستانی شامل یوسف و زلیخا، بارگاه حضرت سلیمان و ... می باشد (فلور، ۱۳۸۱: ۳۵). داستان بارگاه حضرت سلیمان، موضوع یکی از بزرگترین نقاشی هاست که بر هلالی مرکزی عمارت باغ ارم بر روی کاشی هفت رنگ تصویر شده است. در این نقاشی، حضرت سلیمان و ملکه بلقیس، رستم و برخی دیگر خدمه و دیوهای را که طبق روایت به فرمان آن حضرت بودند، دیده می شود.



شکل ۲- سنتوری باغ ارم و نقش حضرت سلیمان (ع) و حضرت یوسف (ع)



شکل ۱- باغ ارم

۴-۱-۲- حضرت یوسف(ع)

در هلال پیشانی عمارت باغ ارم و پایین تصویر بارگاه حضرت سلیمان، داستان حضرت یوسف(ع) بر کاشی هفت رنگ نقش شده است. در این تصویر ۱۳ نفر بر روی کاشی نقش شده اند که در مرکز آن ها حضرت یوسف(ع) و زلیخا دیده می شوند. این تصویر ماجرای ورود حضرت یوسف(ع) به مجلس زنان مصر است که با ورود حضرت به مجلس، زنان مصر، به دلیل زیبایی او) داستان خود را به جای نارنج می بُرند.

۴-۲- باغ نظر

عمارت هشت گوشی که فعلا موزه پارس را تشکیل می دهد یکی از بناهای عالی و زیبایی کریمخان زند است که در وسط باغ بزرگی که در زمان خود او دو برابر باغ امروزی وسعت داشته، در نهایت استحکام و ظرافت با یک نقشه بدیع و جالبی ساخته شده است. این عمارت در زمان فرمانروایی شاه زند برای پذیرایی و مراسم سلام های رسمی و اعیاد مورد استفاده بوده و پس از مرگش آرامگاه او را تشکیل می داد. قسمت هایی از باغ نظر ضمیمه دو خیابان شرقی و شمالی گردید. نمای خارجی بنا را هشت اسپره کاشی کاری در پایین و هشت اسپره در بالا و هشت لچکی بین این دو اسپره تشکیل می دهد که مرمت برخی از آن ها توسط استادان زبردست و متخصص نقاش و کاشی ساز شیرازی به سبک و رنگ و نقش اصلی آن ترمیم و تجدید گردید(سامی، ۱۳۳۷: ۶۸).

۴-۲-۱- نقش حضرت سلیمان(ع)

بالای کلاه فرنگی باغ نظر با کاشی هفت رنگ تصاویری نقاشی شده است که در برخی از آن ها شمایل حضرت سلیمان(ع) دیده می شود. در این نقش که در دو طرف عمارت نقاشی شده، نقش های شلوغی کار شده که حضرت سلیمان(ع) را در دو حالت نشان می دهد. در یک نقش حضرت سلیمان(ع) بر روی یک تخت نشسته و هدهد در مقابل او ایستاده است و ۶ نفر جلو سلیمان و ۴ نفر پشت سر او دیده می شوند و بالای سر او نیز خانه و درختانی دیده می شود. ۶ نفر روبرو در حال دادن ظرفی هستند. پشت سر آن ها نیز افرادی حضور دارند که احتمالا به همراه همان ۶ نفر هستند و ظروفی در دست دارند که برای پیشکشی حضرت سلیمان(ع) می باشد. برخی از این همراهان دارای دو بال هستند که احتمالا از فرشتگان می باشند. در پایین همین تصویر، نقش دیگری دیده می شود که حضرت سلیمان(ع) بر روی یک قالیچه نشسته و در مقابل او شخصی دیده می شود و پشت سر آن شخص دیوهایی نقاشی شده اند که به حضور حضرت رسیده اند. این دو نقش در هر دو لچکی تکرار شده و سراسر نقش نیز حیوانات مختلف دیده می شود.

۴-۳- باغ عقیف آباد

بسیاری از مورخین کهن و پژوهشگران معاصر، قدمت باغ گلشن شیراز را به دوران صفوی می‌رسانند و بنای مرکزی باغ را متعلق به دوره قاجاری و ساخته میرزا علی محمدخان قوام‌الملک دوم می‌دانند. آنچه که در متون قبلی آمده این است که: باغ گلشن در دوره صفویه از باغ‌های آباد و مهم شیراز و محل نزول پادشاهان بوده است. یعقوب خان ذوالقدر، حکمران فارس که در زمان شاه‌عباس نافرمانی کرده در آنجا قلعه‌ای محکم ساخته و برای بنای این قلعه، سنگ‌های گورستان جعفرآباد و مصلی را بکار برده است. پس از صفویه این قلعه ویران شده و باغ، سال‌ها آبادی خود را از دست داده است(آریانپور، ۱۳۶۶: ۲۸۴). حاج میرزا حسن حسینی فسائی در فارسنامه خود به ساخت باغ در سال ۱۲۸۰ هجری قمری توسط میرزا علی محمدخان قوام‌الملک شیرازی اشاراتی نموده است(فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۳). مرحوم فرصت شیرازی در آثار عجم می‌گوید: مرحوم قوام‌الملک، میرزا محمدخان، اسکنه الله الجنان، آن بناها را نهاده و باغ را زینت داده است(فرصت الدوله، ۱۳۶۲: ۸۳۶). ظل السلطان می‌نویسد: چند باغ و تکیه او (شیراز) را می‌نویسم که غره اول است مابقی را رها می‌کنم: باغ گلشن و عقیف‌آباد مال میرزا علی محمدخان قوام‌الملک. پس از آن تمام مورخین می‌نویسند که این باغ پس از دست به دست شدن در خاندان قوام، به خانم عقیفه از وارثین قوام می‌رسد و او نیز در سال ۱۳۴۱ خورشیدی باغ را به فرح همسر محمدرضا پهلوی هدیه می‌کند. مورخان نامی در خصوص چگونگی شکل‌گیری باغ و بنا، اشاراتی کرده که توصیف باغ گلشن را از دیدگاه آنان خواهیم دید. در فارسنامه ناصری آمده: باغ گلشن به مسافت نیم فرسخی در جانب مغربی شیراز است(فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۳). فرصت الدوله شیرازی می‌نویسد: آن را باغ عقیف‌آباد نیز می‌گویند، در سمت غربی است، نیز به مسافت نیم فرسخ، بوستانی است بی‌شبه و مثال، هوایش در نهایت اعتدال، گل و ریاحینش، آبروی دکه جوهریان را ریخته و ماء معیش، با کوثر و تسینم آمیخته در بهاران بر هر گلبنش، هزاری نغمه‌ای ساز کند و فراز هر سروش، تذوری، زمزمه‌ای آغاز. در میان باغ عمارتی بنیاد شده به وضعی بی‌نظیر و به طرز دل‌پذیر. آبشاری از میان آن عمارت پیوسته جاری و روان است که آبش راحت‌بخش روح و روان. مرحوم قوام‌الملک میرزا علی محمدخان اسکنه الله الجنان آن بناها را نهاده و به دیگر عمارات نیز

باغ را زینت داده، کوشکی قرب آن بوستان برپا نموده و خلوت و باغی دیگر بر آن افزوده، مالک بالفعل آنهاست(فرصت الدوله، ۱۳۶۲: ۸۴۱). با این تفاسیر در می‌یابیم که باغ گلشن پیش از شورش یعقوب خان ذوالقدر محل و مقر پادشاهان صفوی و تیموری بوده و احتمالاً به دلیل موقعیت جغرافیایی و دور بودن آن از شهر، جایی برای تفریح و آرامش شخصیت‌ها به شمار می‌رفته است. سلطان ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور که از پادشاهان علاقه‌مند به علم و ادب و هنر بود در فضای باغ گلشن اقدام به ساخت مدرسه‌ای به نام دارالاصفا کرده بود. سلطان ابراهیم خود از بهترین خطاطان دنیای خوشنویسی بود، او، قرآن هفده من شیراز که روزگاری در بالای دروازه قرآن و امروزه زینت بخش موزه پارس شیراز است را با خط محقق به صورتی عالی و استادانه نوشته است. مسافر اسپانیولی، «گارسیا دوسیلوا فیگوئرا» در ضمن شرح مسافرت خود به ایران می‌نویسد: ((شاه اسماعیل در شهر شیراز کاخی برپا نمود که در آن تابلوهایی از هنرمندان ایتالیایی وجود داشت که احتمالاً به وسیله ونیزی‌ها به ایران فرستاده شده بود)) (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۱۱). شاید کاخ شاه اسماعیل، همان کاخی باشد که در دل باغ گلشن بنا گردیده بود. احتمال بر این است که شاه اسماعیل صفوی در ۹۰۹ ه.ق دستور ساخت کاخی در این باغ داده باشد و در دوران پادشاهان بعد از شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷) به ویژه در زمان شاه اسماعیل دوم (۹۸۵-۹۸۴) مورد استفاده بوده است.

۴-۳-۱- نقش حضرت سلیمان(ع)

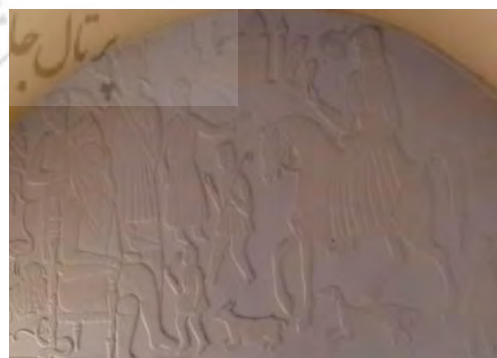
در حمام باغ عقیف آباد ۵ نقش بر دیوار دیده می‌شود که عبارتند از: دیدار خسرو با شیرین، خان قاجار، شیرین و فرهاد، یوسف در مجلس زنان و حضرت سلیمان. در این تصویر حضرت سلیمان بر روی یک صندلی یا تخت نشسته و اطراف او حیواناتی در حال جنب و جوش هستند و روبروی او همسرش بلقیس، بر اسب در حال حرکت به سوی اوست و یک شاخه گل در دست دارد. در کنار حضرت سلیمان دو نفر ایستاده‌اند که یکی از آن‌ها گریزی در دست دارد که احتمالاً یکی از دیوها باشد. همچنین پشت سر ملکه بلقیس سواری دیده می‌شود که به صورت کوچکتری نقش شده و او هم یک گل در دست گرفته است. (شکل ۳)

۴-۳-۲- نقش حضرت یوسف(ع)

در پایین نقش حضرت سلیمان، نقشی وجود دارد که مجلس زنان مصر را نشان می‌دهد. خداوند در قرآن و در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره یوسف(ع) می‌فرماید: ((وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ / فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ)). زنان مصر زلیخا را نکوهش کردند که چرا او عاشق غلام خود شده است، پس زمانی که زلیخا این حرف‌ها را شنید، همه آن‌ها را به مجلسی دعوت و به هر کدام از آن‌ها میوه و چاقویی داد و به یوسف(ع) دستور داد که به مجلس بیاید و زنان با دیدن چهره او دستان خود را بریدند و محو جمال او شدند. در این نقش زلیخا در سمت راست بر روی یک صندلی نشسته و حضرت یوسف(ع) در مقابل او ایستاده و در پایین نقش نیز زنان مصر را نشان می‌دهد که هر یک چاقو و میوه‌ای در دست و دستان خود را بریده‌اند. پشت سر زلیخا نیز ندیمه‌های او ایستاده‌اند. (شکل ۴)



شکل ۴- نقش حضرت یوسف(ع) و مجلس زنان



شکل ۳- نقش حضرت سلیمان و همسرش

۴-۴-۴-۴ - حمام وکیل

در دوره اسلامی و پس از آن به ویژه دوره صفویه، ایجاد و استفاده از بناهای عام المنفعه مانند حمام ها و به کارگیری عناصر تزئینی در آن ها بسیار رایج شد. با فروپاشی سلسله صفوی به دست افغان ها و تاسیس سلسله زندیه توسط کریمخان زند، وی تمام همت خود را برای حفظ و اعتلای دوباره هنر و معماری عهد پیشین به کار بست و در این راستا مجموعه بناهای زندیه را در شهر شیراز بنا نهاد که حمام وکیل یکی از این بناهاست. این حمام که تحت نظارت مستقیم کریم خان زند ساخته شده است هم به لحاظ عظمت و هم به لحاظ فنون معماری و آرایه ها و نگاره های تزئینی اش یکی از بناهای قابل توجه و تحسین برانگیز این دوره به حساب می آید. بنایی که سال های طولانی، معماری و تزئینات داخلی آن تعجب و تحسین همگان را برانگیخته است (هاشمی، ۱۳۹۳: ۲). آهکبری های سرپینه حمام وکیل در نوع خود بینظیر است، به طور کلی این حمام دارای تزئینات آهکبری و ساروج دوران زندیه از قبیل اسلیمی، ترنج، تنگ بری و گل و مرغ است و در دوران قاجار این تزئینات به شکل نقوش هندسی، چهره و داستان های مذهبی و تغزلی بوده است (آزادی و نصیری، ۱۳۹۱: ۱۱). قدیمی ترین منبعی که بر استفاده از نقوش در حمام ها تاکید دارد کتاب مروج الذهب مسعودی است که از حمام های دوره عباسی در بغداد یاد می کند. در حمام های دوره سلجوقی تزئیناتی دیده نمی شود و در متون تاریخی آثاری از این دوره نیست. تزئینات ازاره های حمام های دوره تیموری متشکل از کاشی کاری و ملهم از تزئینات گل و بوته و اسلیمی است. تزئینات در حمام ها از دوره صفویه به بعد، تصاویر جانوران، انسان و گیاهان به تعداد زیادی بر روی کاشی های ازاره ها و آهکبری های سرپینه های حمام ها نقش بست اما از دوره قاجار به نسبت ادوار پیشین نقش تصاویری از قصص قرآن و داستان های تغزلی ادبی مانند فرهاد و شیرین، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ... در امکان عمومی چون حمام به وفور دیده می شود. در حال حاضر سرپینه حمام وکیل شامل ۱۵ آهکبری است که در هر قسمت آن داستان های ادبی و مذهبی به تصویر کشیده شده است. در میان این تصاویر داستان حضرت یوسف (ع) از زمان به چاه انداخته شدن تا زمانی که عزیز مصر می شود به زیبایی روایت شده است. آهکبری سرپینه حمام وکیل همانند صحنه های روایتگر، بیانگر و یادآور داستانی برای کاربران این مکان است. از آنجا که حمام های عمومی در واقع یکی از معدود محل هایی در آبادی بوده که نقش پاتوق را برای مردم داشته است و جایی بود که همه افراد با جایگاه های اجتماعی و فرهنگی مختلف از توانگر و تهی دست، معلم و شاگرد، عالم و عامی و پیر و جوان به آنجا می رفتند. مردم حداقل هفته ای یک بار برای نظافت و پاکیزگی به این مکان می آمدند و نظاره مکرر این تصاویر آن ها را به تعمق و تدبیر در احوال دینی و امور احساسی و امی داشت (اتحاد محکم، ۱۳۹۴: ۵).

۴-۴-۴-۱-۱-۴-۴ - نقش حضرت یوسف (ع)

۴-۴-۴-۱-۱-۴-۴ - به چاه انداختن حضرت یوسف (ع)

در این تصویر حضرت یوسف (ع) توسط برادرانش به درون چاه انداخته می شود. در تصویر و در درون چاه دور سر حضرت یوسف (ع) هاله ای از نور قرار گرفته و او داستان خود را رو به آسمان بالا برده در کنار او یک فرشته قرار دارد. همچنین در بالای چاه برادران یوسف به تصویر کشیده شده اند که شکل آن ها به صورت منفوری نقاشی شده و در پایان تصویر در سمت چپ و راست دو حیوان که احتمالاً یکی سگ و دیگری حیوانی که قصد کشتن آن را دارند تا پیراهن یوسف را به خون آغشته کنند که حکایت از دریده شدن یوسف توسط گرگ است. برادران یوسف بعد از به چاه انداختن او، پیراهن یوسف را به خون آغشته کردند تا به حضرت یعقوب (ع) نشان دهند که یوسف طعمه گرگ شده است. (شکل ۵)

۴-۴-۴-۱-۲-۴-۴ - بیرون آوردن یوسف از چاه

در این تصویر یوسف هاله ای از نور بر صورتش می باشد و در درون چاه قرار دارد و دو نفر در بالای چاه در حالی که طنابی را به داخل چاه انداخته اند در حال بیرون آوردن یوسف از چاه هستند. در دو طرف تصویر یک کاروان با حیوانات قرار گرفته اند. بعد از به چاه انداختن یوسف، کاروانی که قصد رفتن به مصر را داشت برای کشیدن آب از چاه، متوجه حضور یوسف در چاه شده و او را از چاه بیرون آوردند و با خود به مصر بردند. در روایات آمده است زمانی که کاروانیان در حال بیرون آوردن یوسف از چاه هستند، برادران او فرا می رسند و با این ادعا که یوسف یک برده فراری است او را به بهای زیادی می فروشند (خسروی، ۱۳۸۸: ۴۳). (شکل ۶)



شکل ۵- به چاه انداختن حضرت یوسف (ع)



شکل ۶- بیرون آوردن حضرت یوسف (ع) از چاه

۴-۱-۳- ورود یوسف به مجلس زنان مصر

در این تصویر زلیخا در مرکز نشسته و با دست راستش به یوسف که در حال وارد شدن به مجلس است اشاره می کند. در سمت چپ زلیخا دو زن که دست خود را بریده اند و زنی که بیهوش شده به تصویر کشیده شده است. حضرت یوسف (ع) با هاله ای دور سر در حالی که ظرفی در دست دارد وارد مجلس می شود و زنی در کنار پایش ملتمسانه افتاده است. (شکل ۷)

۴-۱-۴- اسارت حضرت یوسف (ع) در زندان

بخش عمده تصویر را مردی که پاهایش را به فلک بسته اند اشغال کرده است و یک مرد در پیش رو و شخص دیگر در پشت سرش قرار دارند. در گوشه بالا، نقش کوچک زنی که از پنجره به صحنه نگاه می کند وجود دارد. این نقش مربوط به دوران اسارت حضرت یوسف (ع) در زندان است و آن دو نفر دو زندانی همراه او هستند که یوسف خوابشان را تعبیر می کند و تصویر زن متعلق به زلیخاست.

۴-۱-۵- یوسف عزیز مصر

در این تصویر پادشاه مصر در مرکز بر روی صندلی بلندی نشسته است و یوسف عزیز مصر در سمت راست تصویر با عمامه ای بر سر بر صندلی کوچکتری نشسته است. پشت سر یوسف شخصی در حال خارج شدن از کادر تصویر شده است. پشت سر عزیز مصر مردی بر روی صندلی نشسته و زنی در حال عصا زدن می باشد. در میان نقش عزیز مصر و یوسف، زنی است که ظاهراً از پشت پرده یا پنجره به تماشای این صحنه نشسته است و احتمالاً زلیخاست. (شکل ۸)



شکل ۷- ورود حضرت یوسف (ع) به مجلس زنان



شکل ۸- حضرت یوسف (ع) عزیز مصر

۴-۱-۶- یوسف و زلیخا

در این تصویر که برخی آن را مربوط به سلطان سنجر و پیرزن می دانند، شخص تاجداری سوار بر اسب به تصویر کشیده اند و در پایین دست وی پیرزنی به حالت تضرع و زاری نشسته است. احتمالاً این تصویر مربوط به آخر داستان حضرت یوسف و زلیخاست و چون در ادامه تصاویر حضرت یوسف آمده به احتمال تکمیل کننده آن هاست. (شکل ۹)



شکل ۹- یوسف و زلیخا

۴-۵- خانه توکلی

خانه توکلی یکی از آثار به جای مانده قاجار در شیراز است که کاشیکاری منحصر بفردش آن را از دیگر بناهای قاجاری در بافت تاریخی متمایز کرده است. این خانه در محله اسحق بیگ و گذر نصیرنظام قرار دارد. این بنا دارای یک حیاط مرکزی و مطبخ خانه و قهوه خانه و ... می باشد. یکی از موضوعات مهم کاشیکاری این خانه به تصویر کشیدن داستان حضرت یوسف(ع) می باشد. تزئینات دیگر این خانه شامل آجرکاری، کاشیکاری هفت رنگ، تزئینات چوبی و ... است. اما آنچه در این بنا جالب توجه می نماید تنوع موضوع، رنگ، طرح و تکنیک کاشی های آن و رنگ غالب در کاشی های خانه صورتی، زرد و آبی است. از جمله شخصیت های منقوش به غیر از شمایل حضرت یوسف(ع) می توان به شاه سلطان حسین صفوی، آغا محمدخان قاجار، شاه اسماعیل اول صفوی، شاه طهماسب اول، شاه عباس بزرگ و ... اشاره کرد. از دیگر تصاویر و نقش های روی کاشی می توان به تصاویر قهوه خانه ای و تصویر رزم اشاره نمود. بر روی دیوارهای زیرزمین، داستان حضرت یوسف(ع) به تصویر کشیده شده که نوع لباس ها و حالت چشم های بزرگ و ابروهای پیوسته و کشیده به سبک قاجاری می باشد. متأسفانه به دلیل تعمیراتی که در خانه انجام می شد، عکسبرداری از تمام نقش ها امکان پذیر نبود و برخی از این نقش های در این مقاله آمده است.

۴-۵-۱- نقش حضرت یوسف(ع)

۴-۵-۱-۱- تصویر از چاه بیرون آوردن حضرت یوسف(ع)

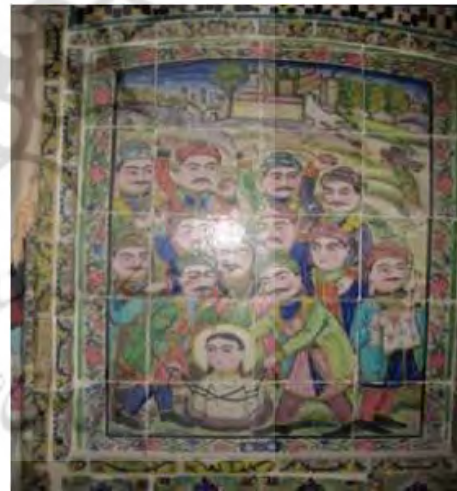
در این تصویر دور سر حضرت یوسف(ع) هاله ای از نور دیده می شود و کاروانیانی که قصد رفتن به مصر را دارند او را از چاه بیرون آورده و با خود به مصر می برند. (شکل ۱۰)

۴-۵-۱-۲- فروخته شدن حضرت یوسف(ع)

در این تصویر حضرت یوسف(ع) در بالا دیده می شود و یک هاله نور بر دور سرش دیده می شود و شخصی در سمت راست بر روی صندلی نشسته و تاجی بر سر دارد که احتمالاً عزیز مصر است. در پایین چند تاجر دیده می شود که با یک ترازو در حال وزن کردن است. با توجه به داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن عزیز مصر یوسف را در این بازار و از تاجران می خرد. (شکل ۱۱)



شکل ۱۱- فروخته شدن حضرت یوسف(ع)



شکل ۱۰- بیرون آوردن حضرت یوسف(ع) از چاه

۴-۵-۱-۳- تمایل زلیخا به حضرت یوسف(ع)

در این نقش ۴ نفر دیده می شود که زلیخا بر روی یک صندلی نشسته و پشت سر او یک مرد و یک زن دیده می شوند. حضرت یوسف(ع) نیز پایین و در گوشه سمت چپ روبروی زلیخا ایستاده است. (شکل ۱۲)

۴-۵-۱-۴- وارد شدن حضرت یوسف(ع) در مجلس رنان

در این تصویر مجلسی از زنان مصر دیده می شوند که به دعوت زلیخا حاضر شده اند. حضرت یوسف به دعوت زلیخا وارد مجلس می شود و به خاطر زیبایی او زنان مصر انگشتان خود را با چاقو می برند. در این تصویر زلیخا در سمت چپ و یک زن در

پشت سر او دیده می شود. حضرت یوسف(ع) در برابر زلیخا و گروهی از زنان در پایین تصویر هستند که به یوسف نگاه می کنند. (شکل ۱۳)



شکل ۱۳- وارد شدن حضرت یوسف(ع) به مجلس زنان



شکل ۱۲- تمایل زلیخا به حضرت یوسف(ع)

۴-۵-۱-۵- تصویر رها شدن یوسف از نفس عماره

در این تصویر حضرت یوسف(ع) با زلیخا دیده می شود. یوسف که هاله از نور دور سرش دیده می شود به طرف دری می رود که باز است و زلیخا پشت سر او قرار دارد.

۴-۵-۱-۶- زندانی شدن حضرت یوسف(ع)

در این تصویر حضرت یوسف در میان عده ای قرار دارد و به احتمال زندانیان هستند. در بالای تصویر نقش زلیخا و زنی دیگر به تصویر کشیده شده است. در روایات آمده است زمانی که او به زندان می رود دوستانی پیدا می کند و خواب های دو تن از آن ها را تعبیر می کند، درستی تعبیر خواب او به گوش پادشاه می رسد(خسروی، ۱۳۸۸: ۴۴).

۴-۵-۱-۷- تعبیر خواب توسط حضرت یوسف(ع)

در این تصویر حضرت یوسف(ع) در برابر عزیز مصر قرار دارد که بر روی یک صندلی نشسته و دو زندانبان در کنار او دیده می شود. این تصویر به تعبیر خواب توسط حضرت یوسف اشاره دارد و خواب عزیز مصر را تعبیر می کند. بعد از تعبیر خواب دو تن از زندانیان، پادشاه او را از زندان آزاد می کند تا خوابی که دیده را تعبیر کند و یوسف به درستی خواب او را تعبیر می کند که در مورد خشکسالی آینده مصر است. بعد از آن یوسف مورد توجه پادشاه قرار می گیرد و اداره امور بسیاری را به او می سپارد.

۴-۵-۱-۸- تصویر آوردن پیراهن یوسف به نزد حضرت یعقوب(ع)

در این تصویر شخصی را نشان می دهد که سوار شتر است و لباسی را به نزد حضرت یعقوب آورده که آغشته به خون است تا وانمود کند حضرت یوسف را گرگ دریده است. حضرت یعقوب در سمت چپ بالا دیده می شود و تصویر زنی در پایین سمت چپ وجود دارد.

۴-۵-۱-۹- تصویر به تخت نشستن حضرت یوسف(ع)

در این تصویر حضرت یوسف در مرکز و بر روی یک صندلی نشسته و عده ای در سمت چپ و راست او دیده می شوند. (شکل ۱۴)

۴-۵-۱-۱۰- دیدار حضرت یوسف با پدرش

در تصویر آخر حضرت یوسف پدرش را ملاقات می کند. دور سر هر دوی آن ها هاله ای از نور قرار دارد و ۱۲ نفر در اطراف آن ها دیده می شود. (شکل ۱۵)



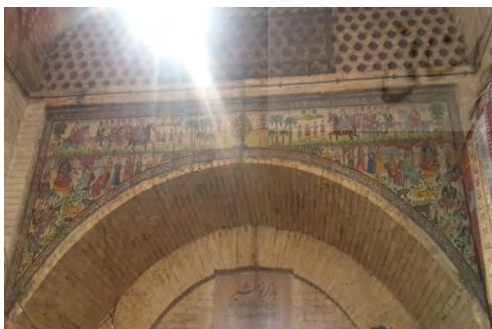
شکل ۱۵- دیدار حضرت یوسف با پدرش



شکل ۱۴- به تخت نشستن حضرت یوسف (ع)

۴-۶- باغ جهان نما

میرزا حسن فسائی در کتاب خود در خصوص این باغ می نویسد: «جعفرآباد نام قدیمی باغ جهان نماست که در جانب مشرقی آن باغ افتاده و مصلی نام صحرائی است در مغربی آن که مردم شیراز آمده، در آن جا نماز حاجت گذارند» (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ۲۹۰). این باغ در دوره آل مظفر و آل اینجو، سر سبز و بسیار آباد بوده است. ابن عربشاه مورخ دوره تیموری در کتاب «عجایب المقدور» آن را «زینت الدنیا» می نامد. باغ جهان نما در هنگام اقامت تیمور گورکانی در شیراز همچون سایر باغ های نامدار آن دوره مورد توجه وی واقع شد، به طوری که در اطراف سمرقند که موطن او بود باغی همانند آن احداث کرد و آن را جهان نما نامید. این باغ در دوره صفویه نیز آباد بوده اما بعد از آن و در کشمکش های بین مدعیان سلطنت مورد تخریب واقع شد تا اینکه کریمخان زند این باغ را در سال ۱۱۸۵ ه. ق حصار کشید و عمارتی را در وسط آن و آب انباری در کنار آن ساخت. در اطراف عمارت نیز خیابان کشی های زیبا و درخت کاری مفصلی به عمل آمد. در دوره قاجار نیز این باغ آباد و باشکوه بود و عمارت باغ محل پذیرایی مهمانان حکومت قرار گرفت (نعیم، ۱۳۹۵، ۱۱۹). این باغ دارای ۴ در بزرگ است که سه تای آن ها بر روی محور اصلی قرار دارند. این سه در مستقیماً دسترسی به گوشه میانی باغ را که در مرکز آن قرار دارد را فراهم کرده، فرد را به درون باغ هدایت می کند (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴، ۶۷). در کلاه فرنگی این باغ نقاشی هایی وجود داشته که متأسفانه همه آن ها در زیر گچ پنهان شده و فقط چند نقاشی در چند سال اخیر مرمت و بیرون آورده شده است. یکی از این نقش ها، حضرت سلیمان (ع) می باشد. در این نقاشی که ۱۴ نفر را به تصویر کشیده است، حضرت سلیمان (ع) در مرکز تصویر و در بالای مجلس بر تخت خود نشسته و اطراف او از دو جهت افرادی بر روی صندلی و تکیه گاه، نشسته اند. پشت سر او دو نفر از دیوان ایستاده اند و حیواناتی در اطراف تخت حضرت سلیمان (ع) دیده می شوند. در سمت راست او و چپ تصویر، دو زن دیده می شوند که احتمالاً ملکه بلقیس و ندیمه او می باشد. داستان حضرت سلیمان (ع) در سوره های بقره، نساء، انعام، انبیاء، نمل و ... آمده است. (شکل ۱۶)



شکل ۱۷- مجلس حضرت سلیمان (ع)



شکل ۱۶- مجلس حضرت سلیمان (ع)

۴-۷- سردر بازار نومشیر

بازار نومشیر یکی از بازارهای معروف شیراز و در دل بازار وکیل قرار دارد. این بازار در زمان قاجار ساخته شده و موقوفه سلطان الحاجیه و همسرش می باشد و در ضلع شرقی سرای مشیر قرار دارد. این بازار دارای هشتی هشت ضلعی است که بازار را به دو بخش تقسیم کرده و به گونه ای که در سمت غرب به سرای مشیر و از سمت جنوب به اردوبازار منتقل می گردد. این هشتی که

بازار مشیر را به بازار نو مشیر متصل می کند داری سقف مرتفعی است که بر فراز آن گنبد کم خیز نسبتاً بزرگی وجود دارد که این گنبد به وسیله کاربندی که به جرز دیوار متصل می شود. بر فراز گنبد کاشی کاری معقلی نیز روزنی وجود دارد که روی آن یک بار گیر چند وجهی مشاهده می شود کف هشتی نیز مانند کف سرای مشیر از قلوه سنگ پوشیده شده است. در این هشتی چهار حجره وجود دارد که به فاصله ۲ پله از سطح زمین قرار گرفته اند. بالای این حجره ها منبت کاری با آجر دیده می شود. سردر ورودی این بازار از سمت بازار روح الله دارای کاشیکاری زیبایی است که در آن نقش حضرت سلیمان(ع) دیده می شود. در دو لچکی این کاشیکاری، یک نقش به مانند یکدیگر وجود دارد که ۱۴ نفر در آن دیده می شود. حضرت سلیمان(ع) بر روی تختی نشسته و روبروی او نیز یک زن و مرد بر روی صندلی دیده می شود و بین آن ها ههدد نشسته است. زنی که روی صندلی نشسته به احتمال زیاد بلقیس همسیر حضرت سلیمان(ع) است. پشت سر حضرت سلیمان(ع) یکی از جنیان ایستاده و در زاویه مخالف و پشت سر بلقیس نیز ۴ زن که ایستاده اند و مجلس را نگاه می کنند دیده می شود. در پایین تخت حضرت سلیمان(ع) نیز حیوانی دیده می شود. (شکل ۱۷)

۵- نتیجه گیری

به تصویر کشیدن چهره پادشاهان در ایران باستان و بر روی سنگ بسیار رایج بود و بسیاری از این نقش برجسته ها داستانی را روایت می کرده است. این هنر در دوره اسلامی به صورت شمایل نگاری البته در حیطه مذهبی بسیار متداول گشت. بعد از رسمی شدن مذهب تشیع در زمان صفویه، هنر شمایل نگاری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و شمایل پیامبران و امامان بر روی بناها و با کاشیکاری نمایان گردید. این هنر در دوره های بعد و به خصوص قاجار اهمیت خود را حفظ کرد و بناهای زیادی در شهرهای مختلف مزین به شمایل ائمه(ع) گردیدند. چندین بنا در شهر شیراز این ویژگی را دارا می باشند و در آن ها می توان شمایل ائمه(ع) را مشاهده نمود. در این مقاله بناهایی مورد بررسی قرار گرفت که شمایل حضرت سلیمان(ع) و حضرت یوسف(ع) در آن ها وجود داشته و بر روی کاشی یا گچ کار شده اند. هدف از ایجاد شمایل نگاری به نوعی اشاعه فرهنگ تشیع و ارتباط مخاطب و بیننده با مذهب را نشان می دهد و به نوعی مالک آن بنا، قصد ترویج و ارتباط خود و اهالی آن بنا را با مضامین مذهبی داشته است. متأسفانه از این نوع شمایل نگاری در دیگر بناهای شیراز و به خصوص خانه های یافت تاریخی اطلاعی در دسترس نیست زیرا بازدید از بسیاری از آن ها امکانپذیر نمی باشد. نکته مهم این است در میان بسیاری از داستان های قرآن، این دو داستان از همه بیشتر مورد توجه بوده و به نوعی مورد تقلید در دوره های مختلف بوده است.

منابع

۱. آدامز، لوری، (۱۳۹۱)، «روش شناسی هنر»، ترجمه علی معصومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نظر
۲. آریانپور، علیرضا، (۱۳۶۶)، «پژوهشی در شناخت باغ های ایران و باغ های تاریخی شیراز»، تهران، انتشارات فرهنگسرای یساولی
۳. آزادی، علیرضا و نصیری، مهرزاد، (۱۳۹۱)، «مرمت تزئینات وابسته به معماری حمام وکیل»، شیراز، انتشارات میراث فرهنگی و گردشگری
۴. اتحاد محکم، سحر، (۱۳۹۴)، «مطالعه نشانه شناختی نقوش قاجاری سربینه حمام وکیل شیراز»، دو فصلنامه هنرهای کاربردی، شماره ۶
۵. افشاری، مرتضی، (۱۳۸۶)، «خیالی نگاری، پایه گذار شمایل نگاری به مفهوم امروزی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸
۶. حکمت نیا، امیرحسین و احمدی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «چهارده گفتار در گردشگری»، شیراز، انتشارات رخسید
۷. خسروی، زهرا، (۱۳۸۸)، «پژوهش تطبیقی داستان یوسف و زلیخا در ادبیات فارسی»، فصلنامه دانشنامه، دوره ۲
۸. زکی، محمدحسن، (۱۳۶۶)، «تاریخ صنایع ایران»، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، انتشارات اقبال
۹. سامی، علی، (۱۳۳۷)، «شیراز شهر سعدی و حافظ، شیراز»، انتشارات موسوی
۱۰. شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۶)، «معرفی نسخه خطی آثارالباقیه»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۶
۱۱. عرفان، محمد، (۱۳۸۵)، «شمایل نگاری در هنر تیموری و صفوی هنر شیعی»، کتاب ماه هنر، شماره ۹۱ و ۹۲
۱۲. فرصت الدوله شیرازی، محمدنصیر، (۱۳۶۲)، «آثار عجم»، تهران، انتشارات بامداد
۱۳. فسائی، حسن، (۱۳۶۷)، «فارسنامه ناصری»، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۴. فلور، ویلم، (۱۳۸۱)، «نقاشی و نقاشان زند و قاجار»، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات ایل شاهسون بغدادی
۱۵. فیگوئرا، دن گارسیا، (۱۳۶۳)، «سفرنامه فیگوئرا»، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، انتشارات نو

۱۶. کمالی سروستانی، کوروش، (۱۳۸۴)، «دانشنامه آثار تاریخی فارس»، شیراز، انتشارات بنیاد فارس شناسی
۱۷. محدثی، جواد، (۱۳۷۸)، «فرهنگ عاشورا»، قم، انتشارات معروف
۱۸. محفوظی، محمدصادق، (۱۳۹۴)، «بررسی و مطالعه شمایل نگاری تشیع همراه با تزئینات هنری در تصویرگری ایرانی»، همایش جایگاه هنر شیعی در تبیین مفاهیم و ارزش های هنر اسلامی، به کوشش دکتر مهناز شایسته فر
۱۹. نعیماء، غلامرضا، (۱۳۹۵)، «باغ های ایران، تهران»، انتشارات پیام
۲۰. هاشمی، زهرا، (۱۳۹۳)، «بررسی های آرایه ها و نگاره های تزئینی حمام وکیل شیراز، مطالعات تاریخ فرهنگی»، سال ششم، شماره ۲۲

